

عقود المرجان لحواشی القرآن

*مرتضی نادری

اشاره:

در این نوشتار، تفسیر عقود المرجان لحواشی القرآن، اثر سید نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۱۲ق)، معرفی می‌شود. این کتاب بر اساس نسخه خطی منحصر به فردی، به دست محققان مؤسسه «شمس‌الضیحی» تصحیح شده؛ لیکن تاکنون به چاپ نرسیده است. نگارنده در این مقاله، می‌کوشد تا ضمن به دست دادن شرح حال کوتاهی از مؤلف تفسیر، اثر یاد شده را معرفی کند و روش کار وی را در این اثر بشناساند.

۱. مقدمه

دانشمندان مسلمان از دیرباز، بنابر انگیزه‌های گوناگون، شرح و تبیین آیات قرآن کریم را وجهه همت خود قرار داده و برای به دست دادن تفسیری که ناگفته‌های مفسران پیشین را بازگوید و اقوال مورد نیاز تفسیرجویان را یکجا به آنان عرضه کند، دامن همت به کمر زده و به قدر وسع و طاقت خود کوشیده‌اند. بی‌گمان، شناسایی این آثار و معرفی آنها به محققان و پژوهندگان و علاقه‌مندان، برای نسلهای بعدی -

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی.

که میراث بر آثار علمی پیشینیان به شمار می‌رond - امری است ضروری. مرحوم سید نعمت‌الله جزایری یکی از این دانشمندان است. بازخوانی شرح حال مرحوم جزایری نشان می‌دهد که ایشان عمر خود را در راه تعلیم و تعلم، سپری کرده و فراگیری علوم مختلف اسلامی را به عنوان یکی از اهداف زندگی خویش برگزیده است. در این میان، وی به قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام توجه ویژه داشته و آثار چندی را در شرح و تفسیر کتابهایی روایی شیعه نگاشته است. عقود المرجان لحواشی القرآن کتابی است که او در تفسیر قرآن کریم، از خود به یادگار نهاده است. همان طور که پیشتر گذشت، این کتاب بر اساس نسخه خطی منحصر به فردی، به دست محققان مؤسسه «شمس‌الضھی» تصحیح شده؛ لیکن تاکنون به چاپ نرسیده است.

۲. معرفی اجمالی کتاب

عقود المرجان لحواشی القرآن، اثر سید نعمت‌الله جزایری، تفسیری است بر قرآن کریم به زبان عربی. مؤلف در این کتاب، تفسیر و تأویل قرآن را از سخنان اهل بیت علیهم السلام و اقوال مفسران گردآورده و در کنار اینها به اختلاف قرائات و نکات ادبی و مواردی دیگر، اشاراتی کرده است. وی در مقدمه تفسیرش می‌نویسد: پس از آنکه خدای سبحانه توفیق تألیف شروح کتابهای تهذیب و استبصار و توحید صدق و نگارش کتاب انوارنعمانیه را ارزانی ام فرمود، عنایت الاهی مرا بر آن داشت تا بر اساس سخنان اهل الذکر علیهم السلام و اقوال دانشمندان مفسّر، از تفسیر و تأویل قرآن، پرده بردارم و افزون بر اینها، از مسائل مهم مربوط به قرائات، نکات ادبی و تراکیب نحوی، یاد کنم و همه اینها را در حاشیه قرآن، بنگارم تا دسترسی بدانهای خواننده، سهل و آسان باشد. (۳: ج ۱، ص ۲۹ - ۳۰)

مرحوم جزایری در مقدمه کوتاه خود بر این اثر، خاطر نشان می‌کند: بدان که ما در حواشی این قرآن، بخشهایی از کلام مفسران را آورده‌ایم. شاید تو

گمان بری که این با آنچه اصحاب ما - رضوان الله عليهم - روایت کرده‌اند که «هر کس قرآن را بارأی خود تفسیر کند و به حق برسد، باز هم خطاکرده است» (۷: ج ۱، ص ۸۰) منافات دارد. در این باره، حتی، اصحاب اخباری ما بر آن شده‌اند که قرآن، همه، متشابه است و تفسیر آن جز با حدیث، جایز نیست. من در پاسخ چنین گمانی می‌گوییم: سخن حق در این مقام، همان است که شیخ طوسی - طاب شراه - فرموده مبنی بر اینکه ناسازگاری نه در کلام خدای متعال رواست و نه در سخنان اهل بیت علیهم السلام؛ چراکه او درباره کتاب خود فرموده است: «بلسان عربی» (الشعراء / ۲۶) و کسانی را که در قرآن، تدبیر نمی‌کنند، نکوهش کرده است. پیامبر ﷺ نیز فرموده است: «إِذَا جَاءَكُمْ عَتْيٌ حِدِيثٌ فَاعْرُضُوهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ: هُرَّكَاهُ حَدِيثٌ أَنْزَلْنَاهُ مِنْ بَيْنِ أَرْضِهِ أَمْ مِنْ عَرْضِهِ أَنْشَأْنَاهُ». پس چگونه می‌شود که چیزی از قرآن، فهمیده نشود؟

مرحوم شیخ طوسی، سپس، آیات قرآن کریم را به چهار بخش، تقسیم می‌کند:

۱. قسمی که علم آن تنها نزد خدای متعال است؛ مانند: «إِنَّ اللَّهَ عَنْهُ عِلْمٌ السَّاعَةٌ».

(لقمان / ۳۱) ۲. قسمی که همه آشنایان با زبان عربی، آن را در می‌یابند؛ مانند: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». ۳. قسمی که مجمل است و ظاهر آیه از معنای آن، خبر نمی‌دهد؛ مانند: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ». تفصیل این گونه آیات را جز از پیامبر ﷺ نمی‌توان آموخت. ۴. قسمی که لفظ بین دو معنی و بیشتر، مشترک است که در این گونه آیات، تعیین مراد خداوند به طور قطعی، جز به وسیله نصّ، روانیست. بنابراین، نهی از تفسیر قرآن با رأی، تنها متوجه قسم نخست، و قسم سوم و چهارم در صورت اراده تفصیل، خواهد بود. (۹: ج ۱، ص ۵ - ۶؛ ۳: ج ۱، ص ۲۹ - ۳۰)

باری، عقود المرجان در ۵ مجلد و به دست محققان مؤسسه فرهنگی «شمس الضحی» تصحیح و مدرک یابی شده است. محققان این مؤسسه درباره روش تصحیح خود می‌نویسند:

در تصحیح این اثر نفیس، به نسخه منحصر به فرد علامه سید محمد تقی بن احمد موسوی حکیم [از نوادگان مؤلف]، اعتماد و مصادری را که مرحوم



مؤلف از آنها نقل کرده، کاملاً مشخص و تصحیفات و دگرگونیها و افتادگیها را تصحیح و موارد ناخوانا در نسخه را با «...» معلوم کرده و عباراتی که افروزن آنها را لازم دیده‌ایم، میان دو قلّاب آورده‌ایم. (همان: ۲۷ - ۲۸)

تصحیح و تحقیق این اثر در محرم الحرام ۱۴۲۵ ق به پایان رسیده است. (همان: ۲۸)

۳. شرح حال مؤلف

مرحوم جزایری خود در پایان کتاب *الأنوار النعمانية* بخش‌هایی از زندگی نامه‌اش را آورده‌است. وی این شرح حال را در زمان به انتهای رسیدن نگارش کتاب یاد شده، یعنی ۳۹ سالگی، نگاشته‌است.

بنابر مندرجات این زندگی نامه خود نوشته، سید نعمت‌الله‌بن عبدالله حسینی جزایری در سال ۱۰۵۰ هجری، در قریه صباغیه از سرزمین جزائر در نزدیکی بصره، زاده شده است. وی در ۵ سالگی روانه مکتب می‌شود و در مدت شش ماه، خواندن و نوشتمن را فرامی‌گیرد و قرآن کریم را از آغاز تا انجام، قرائت می‌کند و اشعار و قصاید بسیاری را می‌خواند و می‌آموزد. او سپس به یادگیری علوم ادبی، می‌پردازد و کتابهایی مانند *الأمثلة*، *التصريف*، *الشفافية*، *الكافية*، *الفية ابن مالك* و شرح *جامی رانزد استادان*، درس می‌گیرد. نعمت‌الله برای طلب علم و بهره‌گیری از استادان، از روستای محل زندگی اش به شهرهایی همچون هویزه و شیراز، سفر می‌کند و بیشتر عمر دانش‌آموزی اش را در مدرسه منصورية شهر شیراز می‌گذراند. وی درباره استادان و دروسی که در این مدرسه فراگرفته است، می‌نویسد:

فقرأت علوم العربية عند رجل فاضل من أهل البغداد، والأصول عند رجل محقق من أهل الأحساء، والمنطق والحكمة عند المحققين المدققين شاه أبي الولي و ميرزا إبراهيم، و علم القراءة عند رجل فاضل من أهل البحرين. و كنّا جماعة نقرأ عند الشيخ الجليل الشيخ جعفر البحرياني. و كنت أنا أسمع ذلك الدرس بقراءة غيري. فإذا أتينا إلى ذلك الشيخ، فكلّ

من يجلس قبل يقول له: اقرأ، حتى يجلس القارئ. و كان يشجّعنا على الدرس وعلى فهم معناه من المطالعة ويقول لنا: إنّ الأستاد إِنما هو للتّيّن والتّبرّك، وإنّ فهم الدرس وتحقيق معناه إِنما هو من مطالعة التلميذ.

وی در همین اوقات، تأليف کتاب مفتاح اللّبيب علی شرح التّهذیب را در علم نحو، آغاز می‌کند (متن این شرح از شیخ بهایی است) و شرحی بر الكافیه ابن حاجب می‌نگارد. مرحوم جزایری پس از مدتی، روانه اصفهان می‌شود و محضر مرحوم علامه محمدباقر مجلسی را درک می‌کند و نزد وی حدیث می‌آموزد. سید نعمت الله هشت سال در اصفهان می‌ماند و روزگارش را به تدریس و تدریس می‌گذراند. او به عتبات عالیات نیز سفر می‌کند و نگارش شرح خود را بر صحیفه سجادیه در عتبات به پایان می‌رساند. (نک: ۲: ج ۴، ص ۳۰۲ - ۳۲۶)

سید نعمت الله در ۲۳ شوال سال ۱۱۱۲ قمری، دیده از جهان فرومی‌بندد. (۱۰: ج ۲، ص ۳۳۱ - ۳۳۲) مدفن او در پل دختر کرمانشاه است. (۲۴: ج ۱، ص ۳۰۲ - ۳۲۶)

۴. آثار مرحوم جزایری

فهرست برخی از آثار مرحوم جزایری به نقل محققان و مصححان کتاب عقود المرجان چنین است:

۱. الإجازات (اجازاتی که برای شاگردان و معاصران خود نوشته است).
۲. الأنوار النعمانية في بيان معرفة النّشأة الإنسانية.
۳. أنيس الفريد - أو أنيس الوحد - في شرح التوحيد. (نام دیگر این کتاب نورالبراهین است).
۴. الأيام النحسة والسعيدة.
۵. تحفة الأسرار في الجمع بين الأخبار.
۶. الجوادر العوالي في شرح عوالي الآلي.



٧. حاشية الاستبصار.
٨. حاشية أمل الآمل.
٩. حاشية توحيد الصدوق.
١٠. حاشية زبدة البيان.
١١. حاشية شرح ابن أبي الحديد على نهج البلاغة.
١٢. حاشية شرح الجاميّ.
١٣. حاشية شرح اللباب.
١٤. حاشية الصحيفة الكاملة.
١٥. حاشية مغني اللبيب عن كتب الأعاريض.
١٦. حاشية نقد الرجال.
١٧. الحواشي الضافية والموازين الواقية، حواش على نهج البلاغة.
١٨. حل مشكلات العلوم.
١٩. رياض الأبرار في مناقب الأنئمة الأطهار.
٢٠. زهر الربيع.
٢١. شرح الصحيفة الكاملة.
٢٢. شرح عقائد الصدوق.
٢٣. شرح عينية ابن سينا.
٢٤. شرح الفوائد الضيائية.
٢٥. شرح ملحقات الصحيفة.
٢٦. شرح منهاج الصواب.
٢٧. شرح نهج الصواب إلى علم الإعراب في النحو.
٢٨. طريق السالك في توضيح المسالك في النحو.
٢٩. عقود المرجان في تفسير القرآن.
٣٠. الغاية القصوى في النحو.
٣١. غاية المرام في شرح تهذيب الأحكام.

٣٢. الفوائد في النحو.

٣٣. الفوائد العمامية في الحديث.

٣٤. الفوائد النعيمية في النحو.

٣٥. قاطع الْجَاجِ في شرح الاحتجاج للطبرسي.

٣٦. كشف الأسرار في شرح الاستبار.

٣٧. لوامع الأنوار في شرح عيون الأخبار.

٣٨. مسكن الشجون في وجوب الفرار من الطاعون.

٣٩. مشكلات المسائل في النحو.

٤٠. مفتاح الْبَيْبَنِ في شرح التهذيب في النحو.

٤١. مقامات النجاة في شرح الأسماء الحسني.

٤٢. مقصود الأنام في شرح تهذيب الأحكام.

٤٣. منهاج المطالب في النحو.

٤٤. منبع الحياة في اعتبار قول المجتهدين من الأموات.

٤٥. منتهى المطلب في النحو.

٤٦. منهاج الصواب إلى علم الإعراب في النحو.

٤٧. منهاج المبتديء في النحو.

٤٨. نزهة الإخوان و تحفة الخلّان.

٤٩. نوادر الأخبار.

٥٠. نهج الصواب في علم الإعراب.

٥١. نهج اليقين في النحو.

٥٢. نور الأنوار في شرح كلام خير الأخيار.

٥٣. النور المبين في قصص الأنبياء والمرسلين.

٥٤. هديّة المؤمنين في الفقه.

در ضمن، كتاب «نابغة فقه و حدیث» نوشته نواده دانشمند و کتابشناس سید نعمت الله جزایری، مرحوم سید محمد جزایری، به شرح حال مبسوط و معروفی



۳. روش مؤلف

مفصل آثار او اختصاص یافته است. (چاپ اصفهان، حسینیه عmadزاده، ۱۳۵۳ ش)

در شرح روش مرحوم جزایری در تفسیر عقود المرجان، نخست بدانچه مصححان این اثر به اجمال، یاد کرده‌اند، توجه می‌کنیم و سپس مواردی را که از مطالعه این کتاب به دست می‌آید، همراه با شواهد مربوطه می‌آوریم.

۱. از قرائن پر شمار، آشکار می‌شود که بیشتر آنچه در این کتاب گرد آمده، به دست مؤلف آن بوده است. مطالبی نیز یافت می‌شود که گردآورندگان آنها کسانی جز مؤلف‌اند که ممکن است به دستور مؤلف یا پس از درگذشت او، بدین کار دست یازیده باشند. نام این کسان چنین است: حسن الموسوی، عصام، سعد الدین، محمد علی و....

۲. مطالب و روایاتی که در این اثر آمده، گاه، تلخیص و گاه، عباراتی بر آنها افروزده و گاه مضمون آنها نگاشته شده و گاه، مطلب پراکنده در عبارتی واحد، آمده است. از همین روست که مطالب بسیاری از این تفسیر و روایات منقول در آن، با مصادر آنها مطابق و سازگار نیست.

۳. تلخیصات و زیادات در مواردی، ابهام و غلط و افتادگی در مطالب پدید آورده‌اند که ما عند اللزوم، آنها را تصحیح کرده‌ایم.

۴. مرحوم مؤلف در نقل روایات، فراوان از تفسیر نور الثقلین اثر عبدالعلی حوزی بهره برده و در تفسیر آیات الاحکام، از کتاب مسالک الأفهام إلى آیات الاحکام اثر فاضل جواد استفاده و در برخی موارد، جملات این کتاب را عیناً نقل کرده است.

(۳) ج ۱، ص ۲۷

باری، مؤلف عقود المرجان در تفسیر خود در همه سوره‌ها، نخست درباره فضیلت آن سوره و خواص و ثواب تلاوت آن، احادیثی را از معتبرمان علیهم السلام نقل می‌کند و سپس به بررسی تک‌تک آیات آن سوره می‌پردازد و گاه، آیات هم موضوع

را به شکل پشت سر هم تفسیر می کند. وی تا جای ممکن، در تبیین آیات، از روایات بهره می برد و در موارد لزوم، به نکات لغوی و صرفی و نحوی می پردازد. مرحوم جزایری در بیان نکات ادبی، از تفاسیری چون مجمع البیان شیخ طبرسی، الکشاف زمخشری، أنوار التنزيل بيضاوي و غرائب القرآن و رغائب الفرقان نیشاپوری استفاده می کند. او همچنین از یادکرد اختلاف قرائات، شأن نزولها و قضایای تاریخی پیرامون آیات، غفلت نمی کند و در بررسی آیات الاحکام، دیدگاههای فقهی شیعه و اهل سنت را یادآور می شود. ایشان همچنین فوائد و فرائدی را که زایده ذهن و اندیشه خود اوست، به خوانندگان تقدیم می کند.

برای نمونه، مرحوم جزایری در تفسیر آیه «مالك يوم الدين» می نویسد:
قرأ عاصم والكسائي و خلف و يعقوب: «مالك» بالآلف، و الباقيون:
«ملك» بغير ألف. (١: ج ١، ص ٨؛ ج ١، ص ٩٧) و ذكر المفسرون في ترجيح
كل من القراءتين وجوهاً كثيرة. و الظاهر أن ملكه سبحانه و مالكيته
متلازمان. والوارد في الأخبار لفظ المالك و به ترجح قراءة الآلف. (٣:

ج ١، ص ٣٣)

می نگرید که وی پس از یادکرد اختلاف قرائت در آیه مذکور، وجه مرجح را بر اساس لغت و احادیث، ذکر کرده است. اینک موردی مشابه در تفسیر آیه «اهدنا الصراط المستقِيم»:

«الصراط». بإشمام الصاد ها هنا و في جميع القرآن حمزه. و عن يعقوب
بالسين كل القرآن. و عن الكسائي بإشمام السين كل القرآن. (١: ج ١٣،
ص ٤٨) و الباقيون بالصاد. و الأصل في الصراط هو السين، مشتق من
السرط - و هو البلع - لأن الطريق يسرط المارة؛ أي: يبلغها. و الموجود
في الأخبار هو الصاد، فيترجح به قراءتها. (٣: ج ١، ص ٣٤)

نویسنده عقود المرجان حتی در تعیین وجه کاربرد «ذلك» در آیه «ذلك الكتاب لا

ریب فیه» (البقرة (٢) / ٢) به درستی ، از احادیث استفاده کرده است. بنگرید:

فی کتاب معانی الأخبار عن العسكري علیہ السلام أَنَّهُ قَالَ: كَذَّبَ قَرِيشَ وَ الْيَهُودَ بِالْقُرْآنِ وَ قَالُوا: سُحْرٌ مِّنْ تَقْوِيلٍ. فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّمَا ذَلِكَ الْكِتَابُ»؛ أَيْ: هُوَ الَّذِي أَخْبَرَتْ بِهِ مُوسَى فَمِنْ بَعْدِهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فَأَخْبَرُوا بَنِي إِسْرَائِيلَ أَتَيْتُكُمْ بِأَنْزَلِنِي عَلَيْكُمْ - يَا مُحَمَّدًا - كِتَابًا عَزِيزًا لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدِيهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ. «لَا رِيبَ فِيهِ»: لَا شُكَّ فِيهِ لَظُهُورِهِ عِنْدِهِمْ، كَمَا أَخْبَرَهُمْ أَنْبِيَاؤُهُمْ أَنَّ مُحَمَّدًا علیہ السلام يَأْتِي بِكِتَابٍ بِالْحُرُوفِ الْمُقْطَعَةِ افْتَاحَ بَعْضَ سُورَتِهِ تَحْفِظَهُ أَمْتَهُ فِي قِرْئَوْنَهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَحْوَالِ وَ يَقْرَنُونَ بِمُحَمَّدٍ علیہ السلام وَ صَيْهِ عَلَيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیہ السلام. (٦: ص ٢٤)

أقول: فعلی هذا يكون الإشارة إلى البعيد ظاهرة. (٣: ج ١، ٣٧)

سید جزایری از یادکرد لطائف و ظرائف موجود در آیات نیز غفلت نکرده است. برای نمونه، وی درباره اینکه چرا در آیه وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا. (البقرة (٢) / ٢٣) واژه «عبد» به کار رفته است، می نویسد:

و روی الشیخ علیه السلام فی المصاحف قال: قال الصادق علیہ السلام: حروف العبد ثلاثة: العين والباء وال DAL. فالعين علمه بالله تعالى. والباء بونه عمماً سواه. وال DAL دونه من الله بلا كيف ولا حجاب. (١٢: ص ٥٤١). و ما ورد في المتن: «و روی الشیخ ... خطأ». أقول: ذكر المحققون أنّ صفة العبودية فوق صفة الرسالة والنبوة. و ذلك أنها حالة رابطة بينه وبين مولاه لا تعلق لها بالخلق، بخلاف الرسالة؛ فإنّ لها نسبة إلى المرسل إليهم. و من ثمّ قال في مقام الثناء عليه: «سبحان الذي أسرى بعده». (٣: ج ١، ص ٤٩ - ٥٠)

مفasser جزایری گاه ذیل یک آیه، به داوری میان اخباریان و مجتهدان نیز پرداخته است. مثلاً وی ذیل آیه ٢٩ سوره بقره می نویسد:

عن أمير المؤمنين علیہ السلام قال: «الذی خلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» لتعتبروا

وَلَتَتوصّلُوا بِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ وَتَتَوَقّوْا بِهِ عَذَابَ نَبِرَانِهِ فَخَلَقَ لَكُمْ كُلّ مَا فِي
الْأَرْضِ لِمَصَالِحِكُمْ (٥: ج ٢، ص ١٢، ح ٢٩) كَذَا فِي عَيْوَنِ الْأَخْبَارِ وَ
الْمُفَسِّرُونَ أَضَافُوا إِلَى هَذَا الْمَعْنَى الْإِنْتِفَاعَ الدُّنْيَوِيَّ لِلْأَبْدَانِ وَاسْتَدَلُوا
بِهَا عَلَى أَنَّ الْأَصْلَ فِي الْأَشْيَاءِ الْإِبَاحَةَ حَتَّى يَظْهُرَ الدَّلِيلُ الْمُخْرَجُ لَهُ وَأَمَّا
الْمُحَدِّثُونَ مِنْ عُلَمَائِنَا، حِيثُ ذَهَبُوا إِلَى أَنَّ مَا وَرَدَ فِي الْأَخْبَارِ مِنْ أَنَّ اللَّهَ
تَعَالَى فِي كُلِّ شَيْءٍ مِّنَ الْأَشْيَاءِ حَكْمًا خَاصًّا فَإِنْ بَلَغَ إِلَيْنَا وَإِلَّا فَالْتَّوْقُّفُ
وَاجِبٌ، خَصَّوْا هَذِهِ الْآيَةَ بِالْمَعْنَى الْأُولَى الْمُذَكُورِ فِي الْخَبْرِ.
أَقُولُ: آخِرُ الْخَبْرِ فِيهِ دَلَالَةٌ عَلَى قَوْلِ الْمُجَتَهِدِينَ أَيْضًاً فَلَعْلَهُ الْأَقْوَى وَ
الْأَظْهَرُ. (٣: ج ١، ص ٥٦ - ٥٧)

مرحوم سید نعمت الله گاه پس از نقل اقوال مفسرین ذیل آیه، به نقد و بررسی آنها
می پردازد. برای نمونه، وی پس از نقل سخن شیخ طبرسی ذیل آیه ۵۷ سوره
آل عمران می نویسد:

«وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُؤْفَقُهُمْ أَجُورُهُمْ وَاللَّهُ أَمَّا يُحِبُّ
الظَّالِمِينَ». «فِيؤْفِقُهُمْ». قرأ حفص بالياء، و الباقون بالنون. أي: يتمّ جزاء
أعمالهم. وفيه حجّة على من قال بالإحباط. لأنّه عزوجل وعد بتوفية
الأجر وهو الثواب، والتوفية منافية للإحباط. (٨: ج ٢، ص ٧٦٠ - ٧٦١)
أقول: الأخبار الواردة بالإحباط مستفيضة على ما لا يخفى على الممارس.
نعم؛ هي بمعنى الموازنة وإبقاء الزائد: - كما ذهب إليه طائفة من
المتكلمين - لا بمعنى الإحباط المتأخر للمتقدم كيف كان، لما يلزم من
الظلم. وعلى ما من الموازنة يكون قد وفى جميع أموره لأنّ الزائد قد بقي
له والساقط بموازنته قد وفاه أيضًا. إذ لو لم ينتفع به إسقاط الذنوب،
لقيت عليه تبعاتها، فهو قد رأى خير ما عمل و شرّ ما عمل. (٣: ج ١، ص ٣١٨ -

(٣١٩ -



می‌کند:

وی در جایی دیگر به شدت، از سخن بیضاوی در مورد حضرت مریم علیها السلام انتقاد

«فَمَثَلْ لَهَا بَشِّرًا سُوِّيًّا». (مریم (۱۹) / ۱۷) أتها جبرئيل متمثلاً بصورة شاب أمرد سوي الخلق ل تستأنس بكلامه. و لعله لتهيج شهوتها فتنحدر نطفتها إلى رحمها. (۱: ج ۲، ص ۲۸) أقول: هذا كلام من قاس حال البطل مریم على بنات نفسه حتى صدرت منه هذه الهفوة. (۳: ج ۳، ص ۱۹۵ - ۱۹۶)

مرحوم جزایری گاه نتیجه تدبیر خود را از آیه نیز به مخاطب، عرضه می‌کند.

بنگرید:

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحْلَلَ لَهُمْ قُلْ أَحْلَلَ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلِمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلَّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلِمْتُمُ اللَّهُ». (المائدة (۵) / ۴) أقول: من تدبیر في معنی هذه الآية، يظهر له سرّ غريب؛ وهو أنّ الله عزّ شأنه لم يرض للكلب إلّا بتعليم العلم الإلهي الذي أوحاه إلى أنبيائه، فكيف رضي الحكماء والطبيعيون أن يعلموا الإنسان الذي هو أشرف المخلوقات العلم الذي اخترعوه بأوهامهم من غير وهي ولا تعلم نبی والإمام من أئمّة الدين؟ ما هذا إلّا إلحاد في الدين. (۳: ج ۱، ص ۵۶۲)

وی در جایی دیگر نیز فیلسوفان و اقوال آنان را به چالش کشیده است. بنگرید:

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّيِّ وَمَا أُوتِيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا». (الإسراء (۱۷) / ۸۵) و في كتاب الاحتجاج عن أبي عبد الله علیه السلام: الروح جسم رقيق قد أليس قالباً كثيفاً. (۸: ص ۳۴۹) أقول: وفيه دلالة على عدم تجرّد الروح. وقد رجّحناه في شرحنا على التهذيب والاستبصار وأكثرنا من الدلائل عليه. (۳: ج ۳، ص ۱۱۶)

سید جزایری همچنین در آیاتی که ناظر به مباحث کلامی و اعتقادی است، پس از نقل اقوال گوناگون ذیل آیه، قول مختار شیعه را بر اساس مدارک و شواهد متقن،

نقل و از آن دفاع می کند. یکی از این آیات، آیه اکمال است. بنگرید:

«الْيَوْمُ أَكْمَلْتُ» روى: أَنَّه لِمَا نَزَّلَتْ: «الْيَوْمُ أَكْمَلْتُ» فَرَحَ الصَّحَابَةُ وَأَظْهَرُوا السُّرورَ إِلَّا أَكَابِرُهُمْ كَأَبِي بَكْرِ الصَّدِيقِ وَغَيْرِهِ، فَإِنَّهُمْ حَزِنُوا وَقَالُوا:

لَيْسَ بَعْدَ الْإِكْمَالِ إِلَّا النَّقْصُ وَالْزَّوَالُ. وَكَانَ كَمَا ظَنَّوْا. فَإِنَّهُمْ لَمْ يَعْمَرُ
بَعْدَهَا إِلَّا إِحْدَى وَثَمَانِينَ يَوْمًا وَلَمْ يَحْصُلْ فِي الشَّرِيعَةِ بَعْدَهَا زِيادةً وَلَا
نَقْصَانٌ. قَالَ الْعُلَمَاءُ: كَانَ ذَلِكَ جَارٌ مَجْرِيٌّ إِخْبَارِ النَّبِيِّ ﷺ عَنْ قَرْبِ وَفَاتِهِ.
وَذَلِكَ إِخْبَارٌ بِالْغَيْبِ، فَيَكُونُ مَعْجَزًا. (١٣: ج٦، ص٥٥) أَقُولُ: مَا نَقْلَهُ هَذَا
الْفَاضِلُ عَنْ حَزْنِ أَبِي بَكْرٍ وَأَمْثَالِهِ لَا لَمَا قَالَهُ، بَلْ لِهِ وَجْهٌ آخَرٌ لَا يُخْفَى عَلَى
اللَّبِيبِ.

«الْيَوْمُ». بِالْطَّرِقِ الْمُسْتَفِيَضَةِ الصَّحِيحَةِ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: كَانَتِ الْفَرِيْضَةُ
تَنْزَلُ بَعْدَ الْفَرِيْضَةِ... الْأُخْرَى، وَكَانَتِ الْوِلَايَةُ آخِرُ الْفَرَائِضِ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ:
«الْيَوْمُ» - الْآيَةُ. يَقُولُ اللَّهُ: لَا أَنْزُلُ بَعْدَهَا فَرِيْضَةً. (١١: ج١، ص٢٨٩، ح٤)
أَقُولُ: أَطْبَقَ أَهْلَ الْبَيْتِ عليهم السلام وَعُلَمَاءَ مَذَهَبِهِمْ وَجَمِيعُهُمْ مُخَالِفُهُمْ عَلَى نَزْوَلِ
هَذِهِ الْآيَةِ فِي حَكَايَةِ غَدِيرِ خَمٍّ لِمَا أَمْرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ عليه السلام أَنْ يَنْصُبَ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَمًا لِلنَّاسِ وَخَلِيفَةً مِنْ بَعْدِهِ. وَحَكَى السَّيِّدُ ابْنُ طَاوُوسَ
أَنَّهُمْ - أَيُّ الْجَمِيعِ - رَوُوا حَدِيثَ غَدِيرِ خَمٍّ وَتَفاصِيلِهِ مَمَّا يَقْرَبُ مِنْ
خَمْسَائِةَ طَرِيقٍ إِلَّا أَنَّهُمْ طَوَّلُوا عَلَيْهِ لِسانَ التَّأْوِيلِ.

«الْيَوْمُ». فِيهِ أَقْوَالٌ. أَحَدُهَا: أَكْمَلْتُ لَكُمْ فِرَائِضَكُمْ وَحَلَالِيٍّ وَحَرَامِيٍّ، فَلَا
زِيادَةٌ وَلَا نَقْصَانٌ بِالنَّسْخِ. وَكَانَ يَوْمُ عَرْفَةَ عَامَ حَجَّةَ الْوَدَاعِ. عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ
وَجَمَاعَةٍ. وَمَاتَ بَعْدَ الْآيَةِ بِإِحْدَى وَثَمَانِينَ لَيْلَةً. وَأَمَّا وَصْفُ الدِّينِ
بِالْكَمَالِ، مَعَ أَنَّهُ لَا نَقْصَانٌ فِيهِ أَبْدًا، فَهُوَ أَنَّهُ كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ مَعْرُضاً لِلنَّسْخِ وَ
الْزِيادَةِ فِيهِ وَنَزْوَلِ الْوَحْيِ بِالتَّحْرِيمِ وَالتَّحْلِيلِ، فَوَصَفَهُ بِالْكَمَالِ مِنْ قَبْلِ
وَصْفِ الْعَشْرَةِ بِأَنَّهَا كَامِلَةٌ وَإِنْ كَانَتِ الْمَائَةُ أَكْمَلَ مِنْهَا. وَثَانِيَهَا: أَكْمَلْتُ
لَكُمْ حَجَّكُمْ وَأَفْرَدْتُكُمْ بِالْبَلْدِ الْحَرَامِ تَحْجُّونَهُ دُونَ الْمُشْرِكِينَ. وَاخْتَارَهُ



فهرست منابع

الطبرسي لآن الله أنزل بعده: «يستغثونك» - الآية. قال الفراء، و هي آخر آية نزلت. و ثالثها: ما روي عن الإمامين أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام أنها نزلت في غدير خم بعد منصرفة من حجة الوداع لما نص على أمير المؤمنين عليهما السلام بالخلافة فقال: من كنت مولاه، فعليّ مولاه. (٨: ج ٣،

ص ٢٤٥ - ٢٤٦: ج ١، ص ٥٥٩ - ٥٦٠)

١. بيضاوى، عبدالله بن عمر بن محمد. *أنوار التنزيل*. بيروت: دار احياء التراث العربي.
٢. جزایری، سید نعمت الله. *الأنوار النعمانية*. تصحیح و تحقیق: سید هادی بنی هاشمی و محمد باقر کتابچی. تعلیقات: محمد علی قاضی طباطبائی. تهران: شرکت چاپ.
٣. ———. *عقود المرجان لحواشی القرآن*. تحقیق و تصحیح: مؤسسه شمس الصحی. (چاپ نشده)
٤. زمخشری، جار الله محمود بن عمر. *الکشاف*. قم: ادب الحوزه.
٥. صدوق، محمد بن علي بن موسى بن بابویه. *عيون أخبار الرضا*. بيروت: مؤسسه اعلمی.
٦. ———. *معانی الأخبار*. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
٧. طبرسی، الفضل بن الحسن. *مجمع البيان*. بيروت: مؤسسه اعلمی.
٨. طبرسی، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن. *الاحتجاج*. تحقیق: حسن خرسان. مشهد: مطبعة سعید.
٩. طوسی، محمد بن حسن. *التبيان في التفسیر القرآن*. ١٠ ج، نجف: المطبعة العلمية، ١٣٧٦ق.
١٠. قمی، عباس. *الکنى والألقاب*. تقدیم: محمد هادی امینی.
١١. کلینی، محمد بن یعقوب بن إسحاق. *الكافی*. تحقیق: علی اکبر غفاری تهران: دارالكتب الاسلامیه.
١٢. ———. *مصباح الشریعة*. منسوب به امام صادق علیه السلام. بيروت: مؤسسه اعلمی.
١٣. نیشابوری، حسن بن محمد بن الحسین. *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. بيروت: دارالكتب العلمیه.